بررسی

لایحه بودجه ۹۹ برای کنترل رکود تورمی ناشی از تحریم تلاشی نکرده است

● یک کارشناس اقتصادی با بیان اینکه سیاست‌گذار در لایحه بودجه سال ۹۹ تلاشی برای کنترل رکود تورمی ناشی از تحریم انجام نداده است، گفت: دولت فاقد یارادایم اقتصادی است. به گزارش مهر، احسان خاندوزی در نشست تخصصی بررسی و تحلیل لایحه بودجه ۹۹ که با عنوان «قفل بودجه» در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران و با حضور کارشناسان برگزار شد، با بیان اینکه لایحه بودجه ۹۹ قدری بدتر از بودجه ۹۸ است، اظهار کرد: بودجه ۹۸ نیز تفاوت چندانی با بودجه ۹۷ نداشت و حتی می‌توان گفت از نظر ساختاری با سال ۹۷ نیز تفاوتی نداشت. وی افزود: بودجه‌ریزی نماد کیفیت حکمرانی یک جامعه است. اگر از بودجه‌ریزی اراضی هستیم یعنی از کیفیت حکمرانی دستگاه‌ها ناراضی هستیم و این مسئله نسبت به سال ۹۸ یک مقدار تغییر داشته. یک دلیل این امر از حساسیت کارشناسان به لایحه ۹۹ جیست؟ پاسخ این سؤال این است که اگرچه کیفیت حکمرانی یک مقداری پایین آمده، اما ما در مختصات ویژه‌ای هستیم و در میانه بروز دومین آوار تحریمی زندگی می‌کنیم. ناراضیتی از بودجه ۹۸ و ۹۹ این است که انتظار می‌رفت در اقتصادی که یک‌بار تجربه رکود تورمی ناشی از تحریم را چشیده، سناریوهای برای جریان این وضعیت در نظر گرفته شود. اما مقامات بودجه‌ریز و سیاست‌گذار هیچ تلاشی در این راستا نکرده‌اند. وی با تأکید بر اینکه بودجه ۹۸ هیچ تلاشی در این راستا نکرده‌اند، گفت: قانون پنجم توسعه فقط چند ماه قبل از دور اول تحریم‌ها نوشته شد، حتی برای یک سال آینده بعد از آن نیز برنامه نداشت و تقریبا چیزی از این قانون اجرا نشد. برنامه ششم توسعه هم در شرایطی نوشته شد که اتکار به اتکار کشور بـا وضعیت ویژه‌ای مواجه است. بعد از رکود تورمی سال‌های ۹۱ و ۹۲ تلاش کردیم مشکل خارجی را حل کنیم. اما به محض اینکه درآمد نفتی برگشت، ما هم برگشتیم و دوباره در بودجه ۹۸ هیچ واکنشی نسبت به تحریم‌ها نداشتیم. خاندوزی به نظام مالیاتی کشور اشاره کرد و گفت: با درآمدهای یادآورده و رانت‌های توزیعی در سال ۹۷، چه اتفاقی در مورد نظام مالیاتی کشور رخ داد؟ اگر توزیع درآمد در سال ۹۷ نابرابرتر شده بود، واکنش نظام مالیاتی چه بود؟ سیاست عدالت بازتوزیعی چه شد؟ نگاه نظام مالیاتی مثل نگاه نظام مالیاتی سال ۲۰۰۰ کشور سوئیس است. وی تأکید کرد: از حدود ۱۳ سال پیش بنده کارشناسی راهکارهای متعددی را برای بهبود اوضاع ارائه داد. اما از سوی نظام بودجه‌ریزی و دستگاه‌های مختلف نادیده گرفته شد. عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه‌طباطبایی گفت: آیا با دولتی مواجه هستیم که یارادایم اقتصادی ندارد که نمی‌تواند بین بخش‌های مختلف اقتصادی تصمیم‌گیری کند؟ پاسخ به این سؤال مثبت است. خاندوزی افزود: با پیشنهادات مربوط به مولسازی دارایی‌ها یا التزام‌بخش به بازار اوراق و اصلاحات مالیاتی موافقیم. اما کمان می‌کنم لایحه ارایه سمت دارایی فروختن و استقراض بیشتر رفته. دروافع منتظر این هستیم که با مسکن کشور از اداره کنیم و بنای سیاست‌گذار این است که به دوره اعتیاد نفتی برگردد. وی تأکید کرد: متقاعدمان برای اینکه دارایی بیشتر بفروشیم دروافع به معنای کوچک‌شدن شدید سفره مردم است. اینکه دولت ۲۵ هزار میلیارد تومان دارایی و ۱۲۰ هزار میلیارد تومان استقراض (انتشار اوراق و برداشت از صندوق توسعه ملی) پیش‌بینی کرده. دروافع به این معناست که تا سال ۱۴۰۰ حدود یک‌ترس و همین‌گونه کشور را اداره می‌کنیم. وی گفت: باید‌ناشی سختی‌ای که مردم در مدت تحمل کودداند این نیست که دوباره به این اقتصاد رفتی برگردیم و منتظر باشیم که سومین دوره تحریم چه زمانی می‌آید. وی با بیان اینکه مالیات مصداق تقویت بازار سرمایه در دستور کردولت

تقویت بازار سرمایه در دستور کردولت

● در جلسه روز گذشته هیئت وزیران، بر فعال‌ترشدن بازار سرمایه و نیز بهبود نحوه تسویه اوراق دولتی تأکید شد. به گزارش تسنیم، در جلسه روز گذشته هیئت دولت که به ریاست حجت‌الاسلام حسن روحانی تشکیل شد، آیین‌نامه اجرائی قانون اجرای اوراق مشارکت اصلاح شد. همچنین هیئت وزیران با توجه به سیری‌شدن بیش از ۲۰ سال از ابلاغ این‌نامه اجرائی قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت و لزوم به‌روزرسانی به آن با دیدگاه قوانین جدیدالتصویب مؤثر بر این قانون و نیز در راستای رفع برخی خلاءهای این‌نامه فعلی، با اصلاح این آیین‌نامه موافقت کردند. در اصلاحات این آیین‌نامه به فعال‌ترشدن بازار سرمایه و نیز بهبود نحوه تسویه اوراق دولتی تأکید شده است. از طرف دیگر، برای کمک به تأمین مالی کشور، برای فروش اوراق مالی اسلامی منتشرشده دولت و بانک مرکزی به تصویب رسید. همچنین هیئت وزیران در راستای اجرای سیاست پولی و مدیریت نرخ‌های سود و کنترل تورم، آیین‌نامه اجرائی حوزه و فروش اوراق مالی اسلامی منتشره دولت و بانک مرکزی به تصویب رساند. به موجب این آیین‌نامه، بانک مرکزی مسئول به انجام عملیات بازار باز و فروش اوراق مالی اسلامی منتشره دولت و نیز تقویت‌گری اوراق یادشده در اراض اعتبار به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری اقدام کند. دولت همچنین به وزارت امور اقتصادی و دارایی اجازه داد در صورت اجرای عملیات بازار باز و نیز تقویت‌گری اوراق مالی اسلامی دولتی ازاحاد بانک مرکزی، بخشی از اوراق مالی اسلامی منتشره و حسابرسی شده دولت به بانک‌ها که در چارچوب قوانین تا پایان سال ۱۳۹۷ ایجاد شده است، تا سقف ۲۰۰ هزار میلیارد ریال بدهاراسازی کند. این وزارتخانه همچنین مجاز است به منظور بهداراسازی، برای انتشار اوراق مالی اسلامی ازجمله اسناد خزانه اسلامی بلندمدت با امکان برخورداری حفظ قدرت خرید به صورت کوپن و مجزا از ارزش اسمی اسناد در مقاطع زمانی معین اقدام کند.

مهفام سلیمان‌بیگی: لایحه بودجه ۹۹ از نظر کارشناسان به دور از هرگونه اصلاحات ساختاری تهیه شده و در موارد متعددی با بیش‌برآوردی همراه است؛ بیش‌برآوردی‌هایی که طبیعتا فراتـر از یک عدد مکتوب هسـتند و مستقیما روی سفره و وضع زندگی مردم اثر خواهند گذاشت. بی‌شک بیش‌برآوردی‌های نفتی و فرض فروش گسـترده اموال دولت هیچ اثری آثار سـوء خود را دارد و امکان تورم و در نهایت استقراض و حتی فسـاد را دوچندان می‌کند. در کنار اینها اصلاح نظام مالیاتی نیز صورت نگرفته است؛ ظاهرا علت ممانعت از شکل‌گیری قوانین مالیاتی که به ثروتمنـدان اضابت می‌کند، مثل مالیات بر سـپرده‌های بانکی و مالیات بر عایدی سـرمایه این اسـت که منافع ذی‌نفعان ذی‌نفـوذ را به خطر می‌اندازد؛ پس طبیعتا این گروه‌ها مانع از چنین اصلاحاتی خواهند شد.

نقد دیگری که محمدهادی سـبحانیان، عضو هیئت‌علمی دانشگاه خوارزمی و کارشناس مسائل اقتصادی، در گفت‌وگو با «شرق» به لایحه بودجه وارد دانسـت، روشی اسـت که دولت به بانک‌ها و صندوق‌های سـرمایه‌گذاری با درآمد ثابت تکلیف کرده اسـت. دولت این بخش‌ها را مکلف کرده بخشـی از بدهی خود به بانک مرکزی و بخشـی از دارایی خود را از این اوراق خریداری و نگهداری کند. به اعتقاد سبحانیان وقتی همه بانک‌هـا از جمله بانک‌هایی که وضعیـت مطلوبی ندارند، ملزم شوند به اینکه اوراق دولت را بخرند، باید این پول را از یک جایی بیاورند، بانک‌های به‌اصطلاح بد که پول ندارند؛ بنابراین مجبور می‌شوند از بانک مرکزی پول قرض کنند تـا اوراق را بخرند. درحالی‌که هدف این بود که چه دولت و چه بانک‌ها از بانک مرکزی استقراض نکنند.

● بیش‌برآوری نفت با توجه به بودجه ۹۹ چه قسـمت‌هایی را با مشکل مواجه می‌کند؟

وقتی مقدار صـادرات نفت غیرواقعی برآورد شـود، یک بخش آن اتـرش را روی درآمـدی که به صورت مسـتقیم از فروش نفت حاصل می‌شـود، می‌گذارد. وقتی برای فروش نفـت به‌جای عدد واقعی، عدد بزرگتری را در نظر می‌گیریم، از این نظر ما دچار کسری بودجه خواهیم بود. از طرف دیگر، قرار است بر اساس همین دلارهای نفتی به کالاهای اسـاسی ارز دولتی پرداخت کنیم؛ وقتی یک میلیون بشکه در روز صادرات در نظر می‌گیریم، یک اندازه ارز برای دولت ایجاد می‌شـود و وقتی عدد واقع‌بینانه‌تری مثلا ۵۰۰ هزار بشـکه در روز بـرآورد می‌کنیم، نصف آن مقدار دلار دسـت دولت می‌آید. حال اگـر مقدار ارزی که دولت در نظر گرفته اسـت، بـه صورت بارانه‌ای بـا ترجیحی برای کالاهای اسـاسـی پرداخت کند، بیشـتر از کل دلارهایی است که به صورت واقعی دسـتش می‌رسـد، در نتیجه مجبور خواهید بود از بازار، ارز به نرخ آزاد خریداری کند و بارانه‌ای بفروشـد؛ یعنی دولت باید به اندازه مابه‌التفاوت ارز آزاد و ارز دولتـی منابعی را پیش‌بینی کرده باشـد. درحالی‌که این منابع در بودجه در نظر گرفته نشـده اسـت؛ یعنی عملا اگر منابع ارزی و فروش نفت واقع‌بینانه دیده نشود، هم کسری بودجه‌ای از محل ردیف ۲۱۰۱۰۱ بودجه داریم که درآمد حاصل از نفت است و هم کسری منابع در حوزه ارزی که فرار است به کالاهای اساسـی ساخته از کارکرد بودجه واحدهایی که توجیهی است و بودجه را با کسری مواجه می‌کند.

● دربودجه امسـال نفت تنها قسمتی نیست که با بیش‌برآوری روبه‌رو هسـت؛ ظاهرا در فروش اموال دولت که تقریبا ۵۰ هزار میلیارد تومان و ۱ برابر سال جاری در نظرگرفته شده و فروش اوراق که ۸۰ هزار میلیارد تومان برآورد شـده نیز این بیش‌برآوری وجود دارد. با این حسـاب، هریک از این بیش‌برآوری‌ها آثار سـوء خود را دارد و امکان تورم و در نهایت استقراض را ایجاد می‌کند.

تعدا استقراض اخلاق خواهد افتاد و دولت با این لایحه با کسـری بودجه مواجه خواهد شـد. یعنی این مسئله نفتی چندان پیچیده نیست. اتفاقی که برای بودجه سـال ۹۸ افتاد که دولت با کسـری مواجه شد و بودجه را در شـورای سران و مجلس واحدکرد کرد، امسال نیز دقیقا با همین رویـه می‌افتد. بنابراین این پیش‌بینی چندان غیر از واقع نیسـت و اتفاقی است که امسـال خواهد افتاد. همان‌طور که اشاره کردید، این بیش‌برآوری فقط گفتار از مسـیر نفت نیسـت و ما از کانال‌های دیگری هم شـاهد آن هستیم. البته در بحث فروش اوراق، اگرچه میزانش ۸۰ هزار میلیارد تومان بوده و بالاتر از حد برنامه ششم پیش‌بینی شده است، ولی به نظر می‌رسـد روش می‌تواند این منابع را با توجه به اینکه بسترهایی را هم برای آن از نظر رفته اسـت، محقق کنـد؛ مثلا عملیات بازار باز و تکلیف به بانک‌ها یا صندوق‌های سـرمایه‌گذاری بـد درآمد ثابت را در این بازار هدف‌مند کند و بخشـی از اوراق دولت را بخرد. بنابراین به نظر می‌رسـد از این نظر کسـری نداشته باشیم؛ اما فروش اموال دولت از مواردی است که عدد بسیار بالایی را برایش در نظر گرفته‌اند. اگرچه در سـنوات گذشته فروش اموال دولت را برقرارداشـته است؛ اما هم عدد آن بسـیار پایین‌تر بوده و هم همان عدد پایین محقق نشـده است؛ مثلا در بودجه سـال ۹۸، ما باید حدود چهارهزار و ۵۰۰ میلیارد تومان از این محل درآمد حاصل می‌کردیم؛ اما تا هفته‌هاسه امسال فقط ۳۰۰ میلیارد تومانش محقق شـده اسـت. یعنی اساسـا به نظر می‌رسد دولت هیچ برنامه‌ای برای این موضوع ندارد و مشخص نیسـت با چه برنامه، سازوکار و اسـتراتژی خاصی می‌خواهد به سـمت فروش اموال مازاد خود برود. دسـتگاه‌ها نیز نشـان دادهاند هیچ انگیزه و رغبتی برای این کار ندارند.

اقتـدار ضعیف و متوسط پرداخته می‌شـود اما این در کشور آمریکا که نظامی سرمایه‌داری دارد، کاملا برعکس است.

همچنین در این حالت دولت تلاشـی در جهت کاهش فرار مالیاتی یا وضع پایه‌هـای جدید مالیاتی نمی‌کند. در حالت پیش‌برآوری منابع نفتی، دولت خودش را برای این کار آماده کرده است و درآمدهای نفتی بالایی را در نظر گرفته اسـت؛ درحالی‌که در سـال مالی با کسری منابع مواجه می‌شود و اقدامی که انجام می‌دهد، دست‌اندازی به منابع بانک مرکزی و استفاده از پایه پولی است که این هم اثر خود را بر تورم و سفره مردم خواهد گذاشت. بنابراین اگر دولت منابع خود را واقع‌بینانه در نظر نگیرد و از نفت بیش‌برآوری کند، نتیجه آن می‌شـود استفاده از منابع بانک مرکزی و در آخر تورم. همین حالا هم تورم ما بسـیار بالاست. این تورم افزایش پیدا می‌کند و سـفره مردم کوچک‌تر می‌شود. بنابراین لازم است مردم در جریان قرار گیرند و مطالبه کنند. اگر منابع نفتی بالا در نظر گرفته شـود، فقط یک عدد نیست بلکه بر زندگی مردم اثرگذار است. در بعد مصارف هم همین‌طور؛ با توجه به فشـاری که درحال‌حاضر از نظر معیشتی روی مردم اسـت؛ آیا دولت فکری برای سبد معیشتی خانوار خود کرده اسـت یا نه؟ اگر این فکر را کرده، چطور قرار اسـت این کار را انجام دهد؟ با کاری‌های اعتباری؟ یا برداخت نقدی؟ اگر به محلی قرار اسـت پول این کمک‌ها تهیه شـود؟ همه اینها روی زندگی مردم اثرگذار اسـت و بنابراین دنبال‌کردن آن باید برای مردم مهم باشد تا از دولت مطالبه کنند. منابع و مصارفش در بودجه به گونه‌ای باشد که زندگی‌شان را مختل و سفرهشان را کوچک‌تر نکند.

● بیش‌برآوری نفت با توجه به بودجه ۹۹ چه قسـمت‌هایی را با مشکل مواجه می‌کند؟

وقتی مقدار صـادرات نفت غیرواقعی برآورد شـود، یک بخش آن اتـرش را روی درآمـدی که به صورت مسـتقیم از فروش نفت حاصل می‌شـود، می‌گذارد. وقتی برای فروش نفـت به‌جای عدد واقعی، عدد بزرگتری را در نظر می‌گیریم، از این نظر ما دچار کسری بودجه خواهیم بود. از طرف دیگر، قرار است بر اساس همین دلارهای نفتی به کالاهای اسـاسی ارز دولتی پرداخت کنیم؛ وقتی یک میلیون بشکه در روز صادرات در نظر می‌گیریم، یک اندازه ارز برای دولت ایجاد می‌شـود و وقتی عدد واقع‌بینانه‌تری مثلا ۵۰۰ هزار بشـکه در روز بـرآورد می‌کنیم، نصف آن مقدار دلار دسـت دولت می‌آید. حال اگـر مقدار ارزی که دولت در نظر گرفته اسـت، بـه صورت بارانه‌ای بـا ترجیحی برای کالاهای اسـاسـی پرداخت کند، بیشـتر از کل دلارهایی است که به صورت واقعی دسـتش می‌رسـد، در نتیجه مجبور خواهید بود از بازار، ارز به نرخ آزاد خریداری کند و بارانه‌ای بفروشـد؛ یعنی دولت باید به اندازه مابه‌التفاوت ارز آزاد و ارز دولتـی منابعی را پیش‌بینی کرده باشـد. درحالی‌که این منابع در بودجه در نظر گرفته نشـده اسـت؛ یعنی عملا اگر منابع ارزی و فروش نفت واقع‌بینانه دیده نشود، هم کسری بودجه‌ای از محل ردیف ۲۱۰۱۰۱ بودجه داریم که درآمد حاصل از نفت است و هم کسری منابع در حوزه ارزی که فرار است به کالاهای اساسـی ساخته از کارکرد بودجه واحدهایی که توجیهی است و بودجه را با کسری مواجه می‌کند.

● دربودجه امسـال نفت تنها قسمتی نیست که با پیش‌برآوری روبه‌رو هسـت؛ ظاهرا در فروش اموال دولت که تقریبا ۵۰ هزار میلیارد تومان و ۱ برابر سال جاری در نظرگرفته شده و فروش اوراق که ۸۰ هزار میلیارد تومان برآورد شـده نیز این بیش‌برآوری‌ها وجود دارد. با این حسـاب، هریک از این بیش‌برآوری‌ها آثار سـوء خود را دارد و امکان تورم و در نهایت استقراض را ایجاد می‌کند.

تعدا استقراض اخلاق خواهد افتاد و دولت با این لایحه با کسـری بودجه مواجه خواهد شـد. یعنی این مسئله نفتی چندان پیچیده نیست. اتفاقی که برای بودجه سـال ۹۸ افتاد که دولت با کسـری مواجه شد و بودجه را در شـورای سران و مجلس واحدکرد کرد، امسال نیز دقیقا با همین رویـه می‌افتد. بنابراین این پیش‌بینی چندان غیر از واقع نیسـت و اتفاقی است که امسـال خواهد افتاد. همان‌طور که اشاره کردید، این بیش‌برآوری فقط گفتار از مسـیر نفت نیسـت و ما از کانال‌های دیگری هم شـاهد آن هستیم. البته در بحث فروش اوراق، اگرچه میزانش ۸۰ هزار میلیارد تومان بوده و بالاتر از حد برنامه ششم پیش‌بینی شده است، ولی به نظر می‌رسـد روش می‌تواند این منابع را با توجه به اینکه بسترهایی را هم برای آن از نظر رفته اسـت، محقق کنـد؛ مثلا عملیات بازار باز و تکلیف به بانک‌ها یا صندوق‌های سـرمایه‌گذاری بـد درآمد ثابت را در این بازار هدف‌مند کند و بخشـی از اوراق دولت را بخرد. بنابراین به نظر می‌رسـد از این نظر کسری نداشته باشیم؛ اما فروش اموال دولت از مواردی است که عدد بسیار بالایی را برایش در نظر گرفته‌اند. اگرچه در سـنوات گذشته فروش اموال دولت را برقرارداشـته است؛ اما هم عدد آن بسـیار پایین‌تر بوده و هم همان عدد پایین محقق نشـده است؛ مثلا در بودجه سـال ۹۸، ما باید حدود چهارهزار و ۵۰۰ میلیارد تومان از این محل درآمد حاصل می‌کردیم؛ اما تا هفته‌هاسه امسال فقط ۳۰۰ میلیارد تومانش محقق شـده اسـت. یعنی اساسـا به نظر می‌رسد دولت هیچ برنامه‌ای برای این موضوع ندارد و مشخص نیسـت با چه برنامه، سازوکار و اسـتراتژی خاصی می‌خواهد به سمت فروش اموال مازاد خود برود. دسـتگاه‌ها نیز نشـان دادهاند هیچ انگیزه و رغبتی برای این کار ندارند.

مهفام سلیمان‌بیگی: لایحه بودجه ۹۹ از نظر کارشناسان به دور از هرگونه اصلاحات ساختاری تهیه شـده و در موارد متعددی با بیش‌برآوری همراه است؛ بیش‌برآوری‌هایی که طبیعتا فراتـر از یک عدد مکتوب هسـتند و مستقیما روی سفره و وضع زندگی مردم اثر خواهند گذاشت. بی‌شک بیش‌برآوری‌های نفتی و فرض فروش گسـترده اموال دولت هیچ اثری آثار سـوء خود را دارد و امکان تورم و در نهایت استقراض و حتی فسـاد را دوچندان می‌کند. در کنار اینها اصلاح نظام مالیاتی نیز صورت نگرفته است؛ ظاهرا علت ممانعت از شکل‌گیری قوانین مالیاتی که به ثروتمنـدان اضابت می‌کند، مثل مالیات بر سـپرده‌های بانکی و مالیات بر عایدی سـرمایه این اسـت که منافع ذی‌نفعان ذی‌نفـوذ را به خطر می‌اندازد؛ پس طبیعتا این گروه‌ها مانع از چنین اصلاحاتی خواهند شد.

نقد دیگری که محمدهادی سـبحانیان، عضو هیئت‌علمی دانشگاه خوارزمی و کارشناس مسائل اقتصادی، در گفت‌وگو با «شرق» به لایحه بودجه وارد دانسـت، روشی اسـت که دولت به بانک‌ها و صندوق‌های سـرمایه‌گذاری با درآمد ثابت تکلیف کرده است. دولت این بخش‌ها را مکلف کرده بخشـی از بدهی خود به بانک مرکزی و بخشـی از دارایی خود را از این اوراق خریداری و نگهداری کند. به اعتقاد سبحانیان وقتی همه بانک‌هـا از جمله بانک‌هایی که وضعیـت مطلوبی ندارند، ملزم شوند به اینکه اوراق دولت را بخرند، باید این پول را از یک جایی بیاورند، بانک‌های به‌اصطلاح بد که پول ندارند؛ بنابراین مجبور می‌شوند از بانک مرکزی پول قرض کنند تـا اوراق را بخرند. درحالی‌که هدف این بود که چه دولت و چه بانک‌ها از بانک مرکزی استقراض نکنند.

● بیش‌برآوری نفت با توجه به بودجه ۹۹ چه قسـمت‌هایی را با مشکل مواجه می‌کند؟

وقتی مقدار صـادرات نفت غیرواقعی برآورد شـود، یک بخش آن اتـرش را روی درآمـدی که به صورت مسـتقیم از فروش نفت حاصل می‌شـود، می‌گذارد. وقتی برای فروش نفـت به‌جای عدد واقعی، عدد بزرگتری را در نظر می‌گیریم، از این نظر ما دچار کسری بودجه خواهیم بود. از طرف دیگر، قرار است بر اساس همین دلارهای نفتی به کالاهای اسـاسی ارز دولتی پرداخت کنیم؛ وقتی یک میلیون بشکه در روز صادرات در نظر می‌گیریم، یک اندازه ارز برای دولت ایجاد می‌شـود و وقتی عدد واقع‌بینانه‌تری مثلا ۵۰۰ هزار بشـکه در روز بـرآورد می‌کنیم، نصف آن مقدار دلار دسـت دولت می‌آید. حال اگـر مقدار ارزی که دولت در نظر گرفته اسـت، بـه صورت بارانه‌ای بـا ترجیحی برای کالاهای اسـاسـی پرداخت کند، بیشـتر از کل دلارهایی است که به صورت واقعی دسـتش می‌رسـد، در نتیجه مجبور خواهید بود از بازار، ارز به نرخ آزاد خریداری کند و بارانه‌ای بفروشـد؛ یعنی دولت باید به اندازه مابه‌التفاوت ارز آزاد و ارز دولتـی منابعی را پیش‌بینی کرده باشـد. درحالی‌که این منابع در بودجه در نظر گرفته نشـده اسـت؛ یعنی عملا اگر منابع ارزی و فروش نفت واقع‌بینانه دیده نشود، هم کسری بودجه‌ای از محل ردیف ۲۱۰۱۰۱ بودجه داریم که درآمد حاصل از نفت است و هم کسری منابع در حوزه ارزی که فرار است به کالاهای اساسـی ساخته از کارکرد بودجه واحدهایی که توجیهی است و بودجه را با کسری مواجه می‌کند.

● دربودجه امسـال نفت تنها قسمتی نیست که با پیش‌برآوری روبه‌رو هسـت؛ ظاهرا در فروش اموال دولت که تقریبا ۵۰ هزار میلیارد تومان و ۱ برابر سال جاری در نظرگرفته شده و فروش اوراق که ۸۰ هزار میلیارد تومان برآورد شـده نیز این بیش‌برآوری‌ها وجود دارد. با این حسـاب، هریک از این بیش‌برآوری‌ها آثار سـوء خود را دارد و امکان تورم و در نهایت استقراض را ایجاد می‌کند.

تعدا استقراض اخلاق خواهد افتاد و دولت با این لایحه با کسـری بودجه مواجه خواهد شـد. یعنی این مسئله نفتی چندان پیچیده نیست. اتفاقی که برای بودجه سـال ۹۸ افتاد که دولت با کسـری مواجه شد و بودجه را در شـورای سران و مجلس واحدکرد کرد، امسال نیز دقیقا با همین رویـه می‌افتد. بنابراین این پیش‌بینی چندان غیر از واقع نیسـت و اتفاقی است که امسـال خواهد افتاد. همان‌طور که اشاره کردید، این بیش‌برآوری فقط گفتار از مسـیر نفت نیسـت و ما از کانال‌های دیگری هم شـاهد آن هستیم. البته در بحث فروش اوراق، اگرچه میزانش ۸۰ هزار میلیارد تومان بوده و بالاتر از حد برنامه ششم پیش‌بینی شده است، ولی به نظر می‌رسـد روش می‌تواند این منابع را با توجه به اینکه بسترهایی را هم برای آن از نظر رفته اسـت، محقق کنـد؛ مثلا عملیات بازار باز و تکلیف به بانک‌ها یا صندوق‌های سـرمایه‌گذاری بـد درآمد ثابت را در این بازار هدف‌مند کند و بخشـی از اوراق دولت را بخرد. بنابراین به نظر می‌رسـد از این نظر کسری نداشته باشیم؛ اما فروش اموال دولت از مواردی است که عدد بسیار بالایی را برایش در نظر گرفته‌اند. اگرچه در سـنوات گذشته فروش اموال دولت را برقرارداشـته است؛ اما هم عدد آن بسـیار پایین‌تر بوده و هم همان عدد پایین محقق نشـده است؛ مثلا در بودجه سـال ۹۸، ما باید حدود چهارهزار و ۵۰۰ میلیارد تومان از این محل درآمد حاصل می‌کردیم؛ اما تا هفته‌هاسه امسال فقط ۳۰۰ میلیارد تومانش محقق شـده اسـت. یعنی اساسـا به نظر می‌رسد دولت هیچ برنامه‌ای برای این موضوع ندارد و مشخص نیسـت با چه برنامه، سازوکار و اسـتراتژی خاصی می‌خواهد به سمت فروش اموال مازاد خود برود. دسـتگاه‌ها نیز نشـان دادهاند هیچ انگیزه و رغبتی برای این کار ندارند.

عکس: سهیلا نگی‌شوری

برخی پیش‌بینی‌های دولت در بودجه ۹۹ تبعات سنگینی دارد

دست‌اندازی بانک‌های بد به خزانه

موضوع دیگر در این رابطه، این است که حتی با وجود سازوکار مشخص، ممکن است این آسیب وجود داشته باشد که همان‌طور که ما در فرایند خصوصی‌سازی یا برخی مشکلات مثل فسـاد و واگذاری‌های مسئله‌دار مواجه شدیم، در این زمینه نیز اگر رعایت نشود، با حجم انبوهی از فسـاد و عدم شفافیت مواجه شویم.

● با فرض اینکه دولت بتواند از طریق الزام برخی بخش‌ها، اوراق خود را بفروشد، قسـمت‌هایی که ملزم به خرید این اوراق شده‌اند، چقدر تحت تأثیر قرارمی‌گیرند و چه تبعاتی برایشان خواهد داشت؟

فـروش اوراق در حـوزه بـالا حتما آثاری در بازار پـول دارد؛ به این ترتیب که قیمت اوراق را کاهش می‌دهد و منجربه افزایش نرخ بهره در بازار می‌شود. طبیعتا وقتی اوراق زیاد منتشر شود، مثل هر کالای دیگری قیمتش پایین می‌آید و اوراق با قیمت تنزیل‌شـده به فروش می‌رسـد. وقتی این اوراق زیاد شود، نرخ تنزیل‌شده کمتر می‌شود. این موجب می‌شود تقویت تأمین مالی دولت بسیار بالا برود؛ چون دولت الان فرضا ۱۰۰ تومان می‌گیرد، ولی سـال دیگـر باید صد تومان بدهـد. افزایش نرخ بهره نیز موجب افزایش هزینه تأمین مالی بنگاه‌ها و در نتیجه تعمیق رکود در بازارها می‌شـود. بنابراین دولت باید بتواند با کمک بانک مرکزی، حتما اوراق باعث به‌تعویق‌انداختن بدهی‌های فعلی می‌شـود. هرچه میزان انتشار اوراق بیشتر شـد، حجم بدهی دولت در سـنوات بعدی بیشتر و بیشتر می‌شود.

● بهترنیست این دخالت از چه طریق اعمال شود؟

همان‌طور که عرض کردم، روشی که دولت در پیش گرفته، این است که بانک‌ها و صندوق‌های سـرمایه‌گذاری با درآمد ثابت را مکلف کرد بخشـی از بدهی خود به بانک مرکزی و بخشـی از دارایی خود را از این اوراق خریداری و نگهداری کنند.

● آیا در این مدت محدود روش قدرا اسـت اهداف دولت را محقق کند؟

در این مسـئله ابهامی جدی وجود دارد. اگر هدف دولت این است که با این مکانیسـم جلوی اسـتقراض بیشتر از بانک مرکزی گرفته شود، در اینجا ممکن اسـت از همین کانال این اتفـاق رخ دهد. وقتی همه بانک‌ها ازجمله بانک‌هایی که وضعیت مطلوبی ندارند، ملزم شوند به اینکه اوراق دولت را بخرند، باید این پول را از جایی بیاورند؛ بانک‌های به‌اصطلاح بد که پول ندارند، در نتیجه مجبور می‌شوند از بانک مرکزی پول قرض کنند تا اوراق را بخرند. درحالی‌که هدف این بود که چه دولت و چه بانک‌ها از بانک مرکزی استقراض نکنند؛ چون استقراض از بانک مرکـزی یعنی افزایش پایه پولی و در نهایـت افزایش تورم؛ حالا فرقی ندارد این استقراض از سوی دولت باشد یا از سوی بانک‌ها. وقتی بانک‌ها از مام‌کرنه به خرید اوراق، باز حلقه ناممارک استقراض از بانک مرکزی فعال می‌شود و آثار تورمی در پیش دارد.

● اثر انتشار اوراق بر دیگر بازارها چگونه است؟

نرخ اوراق اگر به نسبت نظام بانکی جذاب باشد، مردم ممکن است به جای اینکه در سـپرده‌های بلندمدت سرمایه‌گذاری کنند، پول‌شان را اوراق بخرند و این می‌تواند برای نظام بانکی تبعاتی داشته باشد. حتی نرخ اوراق جذابیت در بازار بورس را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. این نرخ‌ها کاملا مرتبط هستند و پیچیدگی کار در همین است که باید بازار به شکلی مدیریت شود که نه آثار سوء خود را در بازار بانکی بگذارد، نه در بازار بورس. باید حتما حجم اوراق کنترل شود این‌طور نیست که دولت قرار باشد تا هر مقدار که می‌خواهد، اوراق منتشر کند؛ چون هم در بحث رکود و رونق تولید اثرگذار است، هم در بحث جذابیت بازار بورس و نظام بانکی و توان بانک‌ها برای اخذ سپرده.

● بعد ازآیان سـال جاری اعتماد به دولت تا حدودی خشـه‌دار شده است و شاید مردم به اندازه سابق تمایلی برای همکاری با دولت ندارند. آیا این امر می‌تواند در بحث فروش اوراق دولتی تأثیرگذار باشد؟

اعتمـاد مردم به کارایی دولت ممکن اسـت کم شـده باشـد؛ اما به‌هرصورت همه به دنبال سـود هسـتند. وقتی اعتماد مردم به اوراق دولتی کم می‌شود که مردم با خودشان بگویند نمی‌خواهم آن اوراقی را از دولت بخرم، آیا سال بعد دولت پول من را می‌تواند پس بدهد یا نه؟ اگر این باسخش منفی باشد، اوراق را نمی‌خرد؛ اما دولت تابه‌حال در پرداخت اوراق دفعه قبله نکرده اسـت و این امر برای دولت و بازیرداخت آن‌قدر مهم نیسـت که حتی پیش از پرداخت حقوق کارکنانش اوراق را بازیرداخت می‌کند. فارغ از اینکه مردم ارتباط‌شـان با دولت چگونه اسـت؛ چون بحث بود مطرح اسـت. اگر سود جذاب باشـد، اوراق را می‌خرد و سرمایه‌گذاری می‌کند. اتفاق سیاسی رخداده اسـت و مسـلما تأثیر مهمی بر اوراق دولتی دارد. اما نکته‌ای که حکومت محـدود مسـت نا بایدار باشد؛ اما تا امروز نحوه دیدگاهی وجود نداشـته؛ حتی با اتفاقات آن من بعید نیاشم دیده‌گاه مردم این باشد. ممکن است مردم اعتراض داشته باشند؛ اما پیش‌بینی من این نیست که مردم از این نظر نگرانی داشته باشند.

● ابتدای صحبت‌هایتان بـه اصلاح نظام مالیاتی اشـاره کردید. بودجه ۹۹ را در این زمینه چطور ارزیابی می‌کنید؟

اصلاح درآمد مالیاتی می‌تواند به عدالت‌ترشـدن نظام مالیاتی کمک کند و مثلا جلوی فرار مالیاتـی را بگیرد. باید پایه‌های مالیاتی‌ای وضع شود که به ثروتمندان ارتباط دارد؛ مثل مالیات بر خانه‌های لوکس یا مالیات بر خودروهای لوکس، مالیات بر سـپرده‌های کلان بانکی و... اگر برای سپرده‌های که بالای چند میلیارد است و در ماه چند ده میلیون تومان فقط سـپرده دریافت می‌کنند، مالیات وضع شـود، به ۹۵ درصد مردم ضرر نمی‌زند؛ اما حرف ما این اسـت که در اصلاحات ساختاری باید شما اساسا مسـیر اخذ مالیات را اصلاح کنید. مسیر فعلی، مسیری اسـت که به ضرر غالب فعالان اقتصادی و مـردم و به نفع ثروتمندان اسـت. اگر این مسیر اصلاح نشـود، شاید یک رشـد به‌مراتب بیشتری در حوزه مالیات داشته باشیم؛ بدون فشار بر فعالان فعلی اقتصادی. گسـانی که دارند فرار مالیاتی می‌کنند، جلوی‌شـان گرفته می‌شـود و به‌این‌دلیل معافیت مالیاتی دارند. از معافیت خراج می‌شـوند. یکی دیگر از محورهایـی کـه در اصلاح نظام مالیاتـی باید در نظر گرفته شـود، بحث سـاماندهی معافیت‌های مالیاتی اسـت. ما در حوزه معافیت‌ها، معافیت‌هایی را داریم که وقتی بررسـی می‌کنیم، می‌بینیم بیشتر به نفع ثروتمندان اسـت تا فقرا. البته این معافیت‌ها را باید با ملاحظاتی اصلاح کنیم.

ملا همین بحث معافیت سود سـپرده‌های بانکی، می‌توانیم بگوییم اگر سپرده‌های بانکی از حد مشخصی بیشتر بود؛ مثلا از یک میلیارد به بالا مالیات دریافت شـود. مگر چند نفر سپرده بالای یک میلیارد دارند؟ پس یعنی با این سیاسـت